

خبر

### خاتمی خطاب به یزشکیان: کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین مسیر برون‌رفت از بحران را بیابید

محمد خاتمی با تقدیر از سخنرانی رئیس‌جمهوری در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، این اقدام را شجاعانه، بی‌تکلف و سنجیده دانست.

متن کامل پیام حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد خاتمی به شرح زیر است:

«رئیس‌جمهور گران‌قدر جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان با ستایش فراوان از سخنان بی‌تکلف، سنجیده، منطقی و متین جناب‌عالی در مجمع عمومی سازمان ملل؛ تاکید درست شما بر عزت‌مندی تمدنی و صلح‌طلبی تاریخی ایرانیان و مطلوبیت و مقاومت توأم با تاب‌آوری و عقلانیت ملت، دولت و نیروهای نظامی حماسه‌آفرین ایران امروز، اقدامی مدبرانه و درخور تقدیر بود. سخن شما به واقع زبان حال اکثریت مردم ماست که در میانه جنگی ویرانگر و تحمیلی و محاصره‌ای فراگیر و تحریم‌هایی ظالمانه، خواهان ایرانی مقتدر و برخوردار از توسعه و عدالت و صلح و آینده‌ای روشن؛ در منطقه‌ای ناآرام و شکستده از مداخله و جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی و در جهانی پرخطراره از تجاوز و زیاده‌خواهی دولت آمریکا و حاکمیت معیارهای دوگانه هستند.

شما با انجام به‌موقع این سفر شجاعانه، باز فرصتی ملی برای همدلی و هم‌رایی و همراهی ملت و دولت و حکومت فراهم کردید تا فارغ از گرایش‌های سیاسی و اجرایی در جهت منافع و مصالح کشور، اعتلای ایران و رفق نگرانی‌های زندگی مردم گامی مدبرانه و مقتدرانه و دلسوزانه در راه دورکردن سایه جنگی بی‌پایان و خانمان‌سوز از کشور برداشته شود.

از خداوند می‌خواهم که جناب‌عالی و همه دست‌اندرکاران را یاری دهد که با پافشاری بر حقوق ملت و مصلحت ملی، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین مسیر برون‌رفت از بحران پیش آمده را بیابید و با شجاعت و انصاف و پشتیبانی همه ارکان حکومت و قشرهای ملت آن را بیمیایید.»

#### رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس: مواضع دکتر پزشکیان مصداق عینی و کامل عقلانیت انقلابی بود

رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلام، با اشاره به سخنرانی رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گفت: **نطق آقای دکت**ر پزشکیان مصداق عینی و کامل عقلانیت انقلابی بود و رئیس‌جمهور توانست در این تریبون مهم بین‌المللی، مواضع عزتمندانه و مقتدرانه ملت ایران را به‌خوبی بیان کند.

رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلامی، با اشاره به سخنرانی رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اظهار کرد: پزشکیان در نطق مجمع عمومی سازمان ملل، صدای رسای استقلال‌طلبی و شرافتمندی ایرانیان بود و توانست با بیانی منطقی، انسانی و عزتمندانه، دیدگاه‌ها و مطالبات ملت ایران را در برابر افکار عمومی جهان مطرح کند.

نماینده مردم غرب هرمزگان در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: سخنان رئیس‌جمهوری، مطلوبیت و اقتدار ملت ایران را به رخ جهانیان کشید و نشان داد ملت ایران در عین دفاع از حقوق و منافع ملی خود به اعلی درجه اقتدار و قاطعیت، از منطق، گفت‌وگو، صلح و تعامل سازنده و متوازن با جهان نیز استقبال می‌کند. جباری ادامه داد: آنچه در این نطق اهمیت داشت، ارائه تصویری واقعی از ملت ایران بود؛ ملتی که همواره بر استقلال، عزت و حفظ منافع ملی خود تاکید داشته و در عین حال، نگاه انسانی و صلح‌طلبانه خود را در سخت‌ترین شرایط، حتی در زمان دهشتناک‌ترین تهاجم جنایت‌آمیز خارجی، حفظ کرده است. او با اشاره به بازتاب این سخنان در افکار عمومی جهان، بیان کرد: ملت‌های آزادی‌خواه جهان نگاه انسانی، متدنهانه، فرهنگی و عزتمندانه نماینده ملت ایران را با خوی مستکبرانه، ظالمانه، تروریستی و قلدرمآبانه رئیس‌جمهور بی‌اخلاق آمریکا مقایسه می‌کنند. او افزود: ملت ایران از ظرفیت تاریخی، فرهنگی و تمدنی بزرگی برخوردار است و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر همین ظرفیت‌ها، روایت واقعی ملت ایران را برای افکار عمومی جهان تبیین کند.

نماینده مردم بندرلنگه، بستک، پارسیان و جزیره کیش با تاکید بر نقش مردم در ایجاد اقتدار کشور گفت: ما به پشتوانه ملتی امکان چنین اقتدار و صلابتی را یافته‌ایم که با ایثار و فداکاری و با اعتماد به مسئولان، کشور را در این پیچ خطرناک تاریخی پشتیبانی کرده و کشور را از گزند خطرات حفظ کرده‌اند. جباری تصریح کرد: این پشتوانه مردمی، سرمایه‌ای بزرگ برای کشور است و باید قدر این اعتماد و همراهی مردم را دانست. مردم ایران در مقاطع مختلف نشان داده‌اند در شرایط دشوار، منافع ملی و امنیت کشور را بر بسیاری از مسائل دیگر ترجیح داده و با صبوری و فداکاری از کشور حمایت کرده‌اند. او ادامه داد: اقتدار جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی در کنار اقتدار حاصل حضور، ایستادگی، صبوری و همراهی مردم تعریف می‌شود و مسئولان باید این سرمایه اجتماعی را بیش از گذشته تقویت کنند.

رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلامی در پایان گفت: امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند انسجام همدلی و استفاده از ظرفیت‌های ملی هستیم و باید با تکیه بر مردم و اعتماد به توانمندی‌های داخلی، مسیر پیشرفت و اقتدار کشور را با قدرت ادامه دهیم.

#### مخبر: پرواز در منطقه یا برای همه آزاد است یا برای هیچ‌کس

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری اظهار کرد: پرواز در منطقه یا برای همه آزاد است، یا برای هیچ‌کس. اگر ایران امکان پرواز و دریافت خدمات فرودگاهی نداشته باشد، هیچ کشوری در منطقه هم این امکان را نخواهد داشت. محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام معظم رهبری، به دنبال اقدامات برخی دولت‌های منطقه، مغایر با حسن همجواری که در روزهای اخیر به اختلال در پروازهای مسافربری کشورمان منجر شد، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: همسویی با آمریکا در اجرای سیاست‌های خصمانه در خاطر ملت ایران ماندگار خواهد بود، هرچند راهبرد ما در این مورد مشخص است: پرواز در منطقه یا برای همه آزاد است، یا برای هیچ‌کس. اگر ایران امکان پرواز و دریافت خدمات فرودگاهی نداشته باشد، هیچ کشوری در منطقه هم این امکان را نخواهد داشت.

#### رزمایش موتورسواران جان فدای ایران

هم‌زمان با هفته دفاع مقدس، هزاران موتورسوار صبح دیروز سوم مهر ۱۴۰۵ در تهران با تجمع در میدان فردوسی، حرکت خود را در قالب رزمایش «جان فدای ایران» به سمت میدان آزادی آغاز کردند؛ کاروانی که با حضور خانواده‌ها و به اهتزاز درآمدن پرچم‌های ایران، مسیر شرق تا غرب پایتخت را طی کردند.

**مالک مصدق:** آغاز هشتادویکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد و فعال‌شدن دوباره کانال‌های میانجیگری میان تهران و واشینگتن، بار دیگر این پرسش را پیش‌روی سیاست خارجی ایران قرار داده است که آیا آنچه در نیویورک جریان دارد، می‌تواند مقدمه‌ای برای خروج از بن‌بست باشد یا صرفاً وقفه‌ای دیپلماتیک در میانه یک منازعه فرسایشی است؟ تماس‌های چندساعته اخیر با میانجیگری قطر، انتقال شروط ایران و ارائه طرح هفت‌روزه برای توقف خصومت‌ها، رفع محاصره و سپس بازگشایی تنگه هرمز، بدون تردید یک تحول مهم در سطح دیپلماتیک طی هفته‌ها بن‌بست سیاسی است که بارقه امیدگرم‌قوی را هم پدید آورده، اما «مهم‌بودن» یک تماس، با «تمرینخش‌بودن» آن تفاوت دارد. به هر حال واقعیت نخست این است که فضای موجود هنوز فاصله زیادی با آن نقطه‌ای دارد که بتوان از آن با عنوان «مذاکرات جدی برای توافق» یاد کرد. ایران شروط خود را روشن کرده است: توقف جنگ در همه جبهه‌ها، پایان محاصره دریایی و فشار اقتصادی، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده و تضمین مسیر ایمن کشتیرانی، در برابر بازگشایی هرمز و بازگشت به مذاکرات هسته‌ای قرار گرفته است. این چارچوب نشان می‌دهد تهران تلاش می‌کند مذاکره را از موضع صرفاً واکنشی خارج و برای آن یک نقشه راه مشخص تعریف کند. اما مسئله دوم و شاید مهم‌تر، توازن نیروهای سیاسی در داخل و خارج از میز مذاکره است. در داخل ایران، واکنش‌های تند شماری از چهره‌ها و جریان‌های سیاسی به تماس عراقچی یا نمایندگان آمریکا نشان داد که اصل مذاکره همچنان موضوعی مناقشه‌برانگیز است. در عین حال، روایت رسمی وزارت خارجه بر این است که شروط ایران از طریق میانجی‌ها منتقل شده و چارچوب مواضع تهران تغییر نکرده است. گزارش‌های منتشرشده درباره اختلاف دیدگاه‌ها در تهران نیز نشان می‌دهد حتی درباره نحوه تعریف همین تماس‌ها چه در قالب مذاکره یا انتقال پیام حساسیت سیاسی بالاست. این وضعیت یک هشدار مهم در خود دارد که اگر مخالفان مذاکره از موافقان آن در میدان سیاسی دست بالتری داشته باشند، دیپلماسی پیش از آنکه در برابر طرف خارجی با مانع مواجه شود، ممکن است در داخل فرسوده شود. مذاکره بدون اجماع حداقلی درباره هدف، حدود اختیار، خطوط قرمز و سازوکار تضمین، به‌سرعت به موضوعی بی‌منازعه داخلی تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، مذاکره‌ای که صرفاً برای اثبات امکان مذاکره انجام شود، نه الزاماً به توافق منتهی می‌شود و نه می‌تواند هزینه‌های یک جنگ طولانی را کاهش دهد.

از این منظر، «گرگ‌ومیش نیویورک» تعبیر دقیقی برای شرایط کنونی است؛ زیرا این روزها پل‌نبره دیپلماتیک باز شده است، اما هنوز نور کافی برای دیدن مقصد وجود ندارد. از یک سو، میانجی‌ها در تلاش‌اند مسیر گفت‌وگو را زنده نگه دارند و حتی گزارش‌هایی درباره تلاش برای انتقال روند به عمان منتشر شده است. از سوی دیگر، واشینگتن همچنان گزینه فشار و اقدام نظامی را از روی میز بر نداشته است و برخی متحدان منطقه‌ای آمریکا نیز خواهان تداوم فشار بر تهران هستند. بنابراین نباید در ارزیابی وضعیت، یک خطای محاسباتی دیگر تکرار شود؛ نه می‌توان مذاکره را معادل تسلیم دانست و نه صرف مذاکره را معادل پیروزی دیپلماسی. مذاکره زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند منافع مشخص و قابل سنجش را تأمین کند و در عین حال خطوط قرمز امنیت ملی ایران را محفوظ نگه دارد. پیشنهاد هفت‌روزه تهران دقیقاً در همین نقطه اهمیت دارد: کاهش میز یک توقف جنگ، رفع فشار و بازگشت به میز مذاکرات یک رابطه مرحله‌بندی‌شده برقرار کند. با این حال، مسئله اساسی همچنان تضمین اجرای تعهدات طرف آمریکایی است؛ موضوعی که تجربه توافقات‌های پیشین، آن را به یکی از دشوارترین مسائل تبدیل کرده است.

در سویی مقابل نیز باید محاسبات واشینگتن را دست‌کم گرفت. دولت آمریکا از یک نقطه محاسباتی سخن می‌گوید و از طرف دیگر فشار اقتصادی، محاصره و تهدید نظامی را به عنوان اهرم حفظ کرده است. گزارش رویترز نیز نشان می‌دهد در گفت‌وگوهای اخیر، مسئله اصلی این بوده که کدام طرف باید نخست بخشی از اهرم فشار خود را واگذار کند؛ تهران بازگشایی هرمز را به رفع فشارها گره زده و واشینگتن خواهان آزادی کشتیرانی در این آبراه است. بنابراین خطر اصلی برای تهران آن نیست که «چرا مذاکره می‌کند»؛ پرسش مهم‌تر این است که با چه هدفی، با چه تضمینی و با چه معماری‌ای مذاکره می‌کند. اگر مذاکرات صرفاً به یک روند رفت‌وبرگشتی از پیام‌ها تبدیل شود، بدون آنکه سازوکار روشن برای توقف جنگ، رفع محاصره، رفع تحریم‌ها، تضمین عدم تکرار حملات و تعیین تکلیف برونره هسته‌ای وجود داشته باشد، احتمالاً حاصل آن بیش از آنکه گشایش باشد، خربین زمان خواهد بود.

از سوی دیگر، فرض قطعی اینکه پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا حتماً جنگ دوباره آغاز خواهد شد نیز نیازمند احتیاط است. این احتمال در محاسبات سیاسی تهران اهمیت دارد، اما هنوز یک واقعیت قطعی نیست. حتی برخی تحلیل‌های منتشرشده در وال‌استریت ژورنال این پرسش را مطرح کرده‌اند که اگر بازگشایی هرمز و کاهش فشار انرژی منافع اقتصادی و سیاسی قابل توجهی برای آمریکا ایجاد کند، محاسبات واشینگتن پس از یک تحلیل الزاماً به سمت تشدید درگیری نخواهد رفت. این، البته یک تحلیل است و نه یک پیش‌بینی قطعی. بنابراین آنچه را در نیویورک رخ داده، نه باید کوچک شمرد و نه بزرگ‌نمای کرد. یقیناً یک روزنه باز شده است، اما هنوز کانال خروج از بحران نیست. مهم آن است که ایران در این فضای گرگ‌ومیش، نه رفتار خش‌وبینی دیپلماتیک شود و نه در دام بدبینی مطلق بیفتد. حفظ خطوط قرمز، تأمین تضمین‌های واقعی، جلوگیری از فرسایش سرمایه داخلی و استفاده دقیق از ظرفیت میانجی‌ها می‌تواند تعیین‌کند این تماس‌ها سرآغاز یک مسیر واقعی باشد یا صرفاً یکی دیگر از فصل‌های طولانی بحران تهران و واشینگتن.

#### طرح هفت‌روزه ایران: تنگه هرمز در برابر توقف جنگ و بازگشت به مذاکره

در تازه‌ترین فصل از تحولات دیپلماتیک میان تهران و واشینگتن، حاشیه هشتادویکمین مجمع عمومی سازمان ملل به صحنه‌ای برای آزرگیری تماس‌های غیرمستقیم دو طرف و

گزارش «شرق» از ابتکار هفت‌روزه تهران و تلاش برای گشایش دیپلماتیک

# گرگ‌ومیش نیویورک



نمایندگان ایران در جلسه مذاکرات

طریق میانجی قطری به آمریکا منتقل شده است. بنابراین، یکی از محورهای مهم در ادامه روند دیپلماتیک، چگونگی تعریف همین تماس‌هاست؛ تهران بر انتقال پیام و شروط تاکید دارد. در حالی که طرف آمریکایی از گفت‌وگوهایی سخن می‌گوید که هنوز به پیشرفت تعیین‌کننده منجر نشده‌اند.

هم‌زمان، مسئله آینده جنگ و تأثیر انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا نیز به یکی از متغیرهای مهم تبدیل شده است. لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، این احتمال را مطرح کرده که اگر بازگشایی هرمز موجب کاهش قیمت انرژی شود، ممکن است محاسبات سیاسی واشینگتن درباره ادامه درگیری تغییر کند؛ با این حال، او این موضوع را صراحتاً رد حد یک گمانه‌زنی مطرح کرده است. در آمریکا نیز مخالفت‌ها با ادامه جنگ در کنگره ادامه دارد. الجزیره گزارش داده مجلس نمایندگان آمریکا پیش‌تر چند بار در‌باره محدودکردن اختیارات جنگی رئیس‌جمهور ای‌گرایی کرده و در یکی از آخرین موارد، قطع‌نامه محدودکننده با ۲۲۰ رأی موافق در برابر ۲۰۴ رأی تصویب شده است؛ این مصوبات برای تبدیل‌شدن به قانون با موافق سیاسی و حقوقی روبه‌رو هستند. آنچه اکنون در مسیر تهران-واشینگتن شکل گرفته، هنوز یک توافق نهایی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تماس‌های غیرمستقیم، پیشنهادهای مشخص و تلاش‌های میانجیگرانه است. طرح هفت‌روزه ایران، بازگشایی تنگه هرمز را به مجموعه‌ای از اقدامات آمریکا گره زده و در مقابل، واشینگتن همچنان بر ضرورت مذاکرات و تضمین‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای تاکید دارد. در چنین شرایطی، احتمال برگزاری دور تازه مذاکرات در عمان، ادامه میانجیگری قطر و واکنش کشورهای عربی تولیدکننده انرژی، سه متغیر مهم در مسیر آینده دیپلماسی میان ایران و آمریکا خواهند بود.

#### بن‌بست با ایران دیگر قابل ادامه نیست؛ راه خروج، بازگشت به دیپلماسی است

پیرو تکاپوها برای احیای مذاکرات، ریچارد هاس، رئیس سابق مؤسسه شورای روابط خارجی آمریکا و کارولین کیسین، معاون آموزشی و استاد بالینی در مرکز جورج جهانی دانشکده مطالعات حرفه‌ای دانشگاه نیویورک هم طی مطلبی در فارن افرز استدلال می‌کنند جنگ و فشار اقتصادی علیه ایران دیگر قابل ادامه نیست و واشینگتن باید برای پایان‌دادن به درگیری، بار دیگر به دیپلماسی روی آورد. به باور آنها، طی شش ماه نخست جنگ، نظام انرژی جهان توانست شوک ناشی از بسته‌شدن عملی تنگه هرمز را با افزایش تولید خارج از خلیج فارس، استفاده از ذخایر راهبردی و تجاری، کاهش تقاضا و فعال‌کردن مسیرهای جایگزین صادرات نفت تا حدی جذب کند. اما این سازوکارهای جبرانی اکنون در حال فرسوده‌شدن هستند. نویسندگان هشدار می‌دهند گسترش حملات به زیرساخت‌های انرژی، نقطه عطف خطرناکی ایجاد کرده است. حمله به خط لوله شرق-غرب عربستان و تهدیدهای حوثی‌ها علیه کشتیرانی در دریای سرخ، مسیرهای جایگزینی که برای ورودن تنگه هرمز ایجاد شده بودند نیز ناامن کرده است. در شرایطی که ذخایر اضطراری کاهش یافته، ظرفیت تولید اضافی محدود است و کاهش بیشتر مصرف می‌تواند به رکود منجر شود، اختلال جدید در عرضه ممکن است قیمت نفت را تا ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار افزایش دهد و بحران انرژی، تورم و رکود جهانی را تشدید کند.

از نگاه هاس و کیسین، شش ماه حملات نظامی و فشار اقتصادی نتوانسته ایران را وادار به تسلیم یا تغییر اساسی رفتار کند. بنابراین ادامه همین راهبرد چشم‌انداز روشنی ندارد. آنها پیشنهاد می‌کنند واشینگتن برای دستیابی به توافقی جدید با تهران تلاش کند؛ توافقی که صرفاً احیای تفاهم ژوئن نباشد، بلکه از ابتدا مذاکره شود یا دست‌کم مفاد آن بازنگری شود. محور اصلی توافق پیشنهادی، آتش‌بس میان طرف‌های درگیر و توقف حملات به زیرساخت‌های انرژی خواهد بود. آمریکا و متحدانش در برابر توقف اقدامات ایران، حوثی‌ها و گروه‌های همسو، باید امتیازهایی مانند کاهش بخشی از تحریم‌ها، آزادسازی بخشی از دارایی‌های ایران و کمک بازسازی ارائه کنند. در مقابل، ایران با وضعیت بهتری قرار دهد و برای ترامپ هزینه سیاسی داشته باشد. اما می‌تواند خطر بحران انرژی و رکود جهانی را کاهش دهد و به واشینگتن امکان دهد نیروها و منابع نظامی خود را بازایی کند.